



نگرشی بر صفات (عباد الرحمن)

در قرآن کریم

آیه الله سید یوسف طباطبائی نژاد

● مقدمه:

قرآن کریم در آیات متعدد به تبیین صفات مؤمنین و متقین پرداخته است از جمله در سوره فرقان، صفاتی را تحت عنوان (عباد الرحمن) بیان فرموده است: تعبیر (عباد الرحمن) یعنی بندگانی خاص خدا و این عنوان یک درجه از درجه مؤمنین بالاتر است چون نسبت اینها را خداوند به خود داده است یعنی منتسب به خود کرده و فرموده کسی که منتسب به من است باید چنین اوصافی داشته باشد همچنین به تعبیر قرآن (واجعلنا للمتقین اماماً) عباد الرحمن بواسطه صفاتی که دارند امام متقین هستند. خداوند در آیات آخر سوره فرقان سیزده صفت را برای عباد الرحمن ذکر فرموده است که به بررسی آنها می پردازیم.

♦ صفات عباد الرحمن در یک نگاه
سیزده صفت ذکر شده برای (عباد الرحمن) بدین ترتیب در قرآن کریم مطرح گردیده است.

۱- (رفتار متواضعانه) و عباد الرحمن الذین یغشون علی الارض هوناً^۱
و بندگان شایسته و ویژه خداوند بخشنده کسانی هستند که در روی زمین با تواضع و فروتنی گام بر می‌دارند و از خود بزرگ بینی و تبهکاری و نا فرمانی خدا دوری می‌جویند.

۲- (گفتار سالمانه) و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً.^۲
و بندگان شایسته و خاص خدا کسانی هستند که در برابر سخنان عناصر و جریان‌های نادان و گمراه و جاهل با سلامت نفس و گفتار خداپسنداند و انسانی به روشنگری و پاسخگویی و سلام می‌پردازند.

۳- (عبادت عاشقانه) و الذین یستون لربهم سجداً و قیاماً.^۳
و بندگان شایسته کسانی هستند که شب‌ها بیدار می‌مانند و در پیشگاه پروردگار خویش گاه در حال قیام و گاه در حال سجده و او را خالصانه و عاشقانه عبادت می‌کنند.

۴- (نیایشگری عارفانه) و الذین یقولون ربنا انصرف عنا عذاب جهنم.^۴
و بندگان شایسته کسانی هستند که نیایشگرانه دست به سوی خدا برداشته و همواره می‌گویند:

پروردگارا عذاب سخت و پاینده دوزخ و آتش شعله‌ور آن را از ما بر طرف ساز.

۵- (انفاق عادلانه) و الذین اذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا^۵
و بندگان شایسته خدا کسانی هستند که چون انفاق نمایند ولخرجی و اسراف نمی‌کنند یا سختگیری و بخل به خرج نمی‌دهند بلکه راه میانه و عادلانه را بر می‌گزینند.

۶- (خداخواهی غیر مشرکانه) و الذین لا یدعون مع الله الهاً اخر^۶
و بندگان شایسته خدا کسانی هستند که با خدای یکتا و بی همتا شریکی نمی‌گیرند و نمی‌خوانند بلکه تنها او را می‌پرستند و خداخواهی آنها غیر مشرکانه است.

۷- (انسان دوستی محترمانه) و لا یقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق.^۷
۸- (پاکدامنی آگاهانه) و لا یرزقون و من یفعل ذلك ینق اناماً^۸
و بندگان شایسته خدا کسانی هستند که دامان خود را از گناهان پاک نگاه می‌دارند و هرگز به بی‌عفتی و آلودگی روی نمی‌آورند و بر کیفر سخت کارهای زشت و ظالمانه آگاهی دارند.

۹- (انجام اعمال صالحانه) و من تاب و عملاً صالحاً^۹
و بندگان شایسته خدا کسانی هستند که اهل توبه و استغفار بوده و به کارهای شایسته و صالح می‌پردازند.

۱۰- (گواهی و حضور صادقانه) و الذین لا یشهدون الزور^{۱۰}
و بندگان شایسته خدا کسانی هستند که گواهی به دروغ نداده و در مجالس باطل و بیهوده حضور نمی‌یابند، شهادت و گواهی آنها و حضور آنها صادقانه است.

۱۱- (ارتباطات کریمانه) و اذا مرؤا باللغو مرؤا کرماً^{۱۱}
و بندگان شایسته خدا کسانی هستند که در ارتباطات و معاشرت با مردم از خطاها و اشتباه‌های آنها چشم‌پوشی می‌کنند و بزرگوارانه و بزرگ‌منشانه به ترویج شئون دینی و انسانی می‌پردازند.

۱۲- (حق‌پویی حکیمانه) و الذین اذا ذکروا پایات ربهم لم یخزوا علیها^{۱۲}
و بندگان شایسته خدا کسانی هستند که چون به آیات پروردگار خود موعظه و اندرز داده شوند با گوش شنوا و چشم بینا و دل حق‌پذیر و نیتی خالص به سوی آنها روی می‌آورند و بهره‌ی معنوی می‌برند و راه می‌یابند.

۱۳- (آینده‌نگری مسئولانه) و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا و ذریاتنا قرۃً اعیین و اجعلنا للمتقین اماماً^{۱۳}
و بندگان شایسته و خاص خداوند کسانی هستند که در برابر خانه و خانواده، نسل و تبار خویش احساس مسئولیت می‌کنند و از خداوند رشد و تعالی آنها را در دنیا و آخرت خواستارند و نیایشگرانه می‌گویند: «و ما را پیشوای پروا

پیشگان قرار ده تا آنان به ما اقتداء نمایند و ما را الگو و سرمشق خویش قرار دهند»

♦ ویژگی‌های سیزده‌گانه بندگان خاص خدا

در آیاتی که ترجمه آنها گذشت قرآن شریف صفات و ویژگی‌های بندگان شایسته و برجسته خدا را به زیبایی مطرح می‌سازد تا به کسانی که مدعی بندگی خدا و ایمان راستین و فرمان برداری از او هستند نشان دهد که باید اینگونه باشند و خود را از نظر اندیشه و عقیده، ایمان و باور قلبی، اخلاق و آراستگی به ارزش‌های انسانی، رفتار و عملکرد فردی و خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی این گونه آراسته سازند این ویژگی‌های سیزده‌گانه عبارت بودند از:

- ۱) فروتنی و تواضع و در زندگی
- ۲) بردباری در برابر ناآگاهان
- ۳) پرستش و عبادت عاشقانه و خالصانه
- ۴) بیم و ترس از کیفر خدا و چاره‌اندیشی برای نجات و رستگاری
- ۵) اعتدال و میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در زندگی
- ۶) توحیدگرایی خالص و ناب و دوری از شرک و آفت‌های آن
- ۷) رعایت حق حیات و زندگی انسان‌ها و دست نیالودن به خون بی‌گناهان

- ۸) پاکدامنی و عفت ورزیدن
 ۹) رعایت حقوق دیگران و پرهیز از زورمداری
 ۱۰) هدفداری در زندگی و دوری از بیهوده‌کاری و بیهوده‌گرانی
 ۱۱) حق جویی و حق پوئی و حق طلبی و دوری از تعصب کور و حق ستیزی
 ۱۲) احساس مسئولیت در نظام خانواده و در اندیشه نسل و تبار صالح بودن
 ۱۳) داشتن همت بلند و آرمان والا و جهاد در این راه
 این فهرست صفات برجسته، غرور آفرین، درس آموز و الهام بخش (عباد الرحمن) است که آراستگی به این نشانه‌ها اندیشه‌ای بلند و همتی والا و اخلاص و ایمانی عمیق می‌طلبد.

♦ پاداش پر شکوه عباد الرحمن

- پاداش پر شکوه آنان افزون بر سرافرازی و سر بلندی و زندگی سرشار از آرامش و آسایش روحی و وجدانی در دنیا خوشبختی راستینی است که در دو سرا نصیب آنها می‌گردد. آیات قرآن این چنین به تبیین پاداش‌ها پرداخته است.
 ۱) اولئک یجزون العرفه (بهشت پر طراوت و پر نعمت خدا) ۱۴
 ۲) العرفه (بهترین فرارگاه‌های بهشت)
 ۳) و یلقون فیها تحته و سلاماً (رویاری با احترام و گرامیداشت خدا و فرشتگان او) ۱۵
 ۴) خالدین فیها (زندگی پر افتخار و جاودانه در

بهشت)

- ۵) خسنت مستقراً و مقاماً (اقامت گاه زیبا و دل‌انگیز همراه با خشنودی خدا) ۱۶

♦ رفتار متواضعانه (یمشون علی الارض هوناً) ۱۷

اولین صفتی که خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خاص خود ذکر فرموده تواضع و فروتنی است یمشون و مشی به یک معنا سیره و سبک و روش است و عباد الرحمن کسانی هستند که راه و روش آنها در زندگی متواضعانه است همین تعبیر را امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه متقین یا همام (نهج البلاغه) مطرح فرموده است. حضرت علی (ع) این خطبه را به اسرار (همام) که یکی از اصحاب حضرت بوده بیان می‌کند و ۹۹ صفت برای متقین بر می‌شمرد که از جمله آن صفات این است که «و مشیهم التواضع» ۱۸ یعنی متقین روش و رفتار و روحیه‌ی و مشی ظاهری و باطنی آنها بر تواضع و فروتنی است. آنها نسبت به بندگان خدا تکبرورزی نمی‌کنند. یکی از صفات ارزنده انسانی که رشد دهنده انسان است همین صفت تواضع می‌باشد. روایات متعدد در توضیح این صفت از ائمه اطهار (علیهم السلام) وارد شده است. امام صادق (علیه السلام) در پاسخ سوال (تواضع یعنی چه؟) و (حد تواضع چیست؟) فرموده‌اند: «حد تواضع این است که خود را کمتر از آنچه

هستی در نظر مردم جلوه‌دهی و هر کس را ملاقات کردی به او سلام کنی و در برابر دیگران فروتن باشی» ۱۹ از جمله مصداق تواضع می‌توان به تواضع در گفتگو، تواضع در نشست و برخاست، تواضع در رفتار و تواضع در نگاه را ذکر نمود. خداوند تبارک و تعالی دستور تواضع به رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌دهد «و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین» ۲۰ ای پیامبر (ص) تو باید نسبت به مردم خفض جناح کنی این دستور الهی شامل حال همه ما مخاطبان قرآن می‌گردد و همه ما باید نسبت به مردم به خصوص مؤمنین خفض جناح کنیم یعنی گفتار و رفتار و معاشرت ما متواضعانه باشد و عباد الرحمن اینچنین هستند روی زمین وقتی راه می‌روند (غلی هون) راه می‌روند، هون به معنی کوتاه آمدن، کوچکی کردن بر خلاف (هون) که به معنای شدت است (عذاب هون) عذاب آخرت را عذاب هون گفته‌اند (هون) با فتح هاء که فقط یکبار در قرآن کریم استعمال شده و به معنای فروتنی است.

♦ گفتار سالمانه (و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً) ۲۱

دومین صفتی که حضرت حق جل و علا برای بندگان خالص خود فرموده (بردباری در برابر ناآگاهان) است عباد الرحمن کسانی هستند که وقتی جهال آنها را مورد خطاب قرار می‌دهند و

چیزهایی می‌گویند که دلشان را به درد آورد و از روی نادانی و گمراهی بی ادبی می‌کنند. جواب آنها (قالوا سلاماً) است یعنی گفتارشان روی سلامت است. با تانی و سلامت نفس به روشنگری و پاسخگویی می‌پردازند و جواب گستاخی نادانان را مؤدبانه و خداپسندانه می‌دهند. شیوه‌ی اخلاق مردم توحیدگرا این بوده که با عناصر نادان کشمکش نمی‌کردند و با آرامش و سلام از جهالت جهال گذر می‌کردند. سیره انبیاء در قرآن کریم به خوبی آموزش دهنده این روش می‌باشد. حضرت ابراهیم (علیه السلام) در برابر برخورد تند و بی ادبانه عموی بت پرست خود آزر فرمود: (قال سلام علیک سأتغفر لک ربی انه کان بی خفیاً) ۲۲ سلام بر تو، من حالا از خدا می‌خواهم که تو را ببخشد، خدا عفو کند، چقدر زیاست انسان برخوردهایش اینگونه باشد در سیره‌ی تربیتی امام خمینی که شاگرد مکتب اهل بیت (علیهم السلام) بوده همین رفتار موج می‌زند از جمله وقتی در نجف اشرف شب نامه‌ای خیلی زشت علیه امام بخش شده بوده چند نفر از علما خدمت ایشان رسیدند که اجازه پاسخگویی به این شب نامه را بدهید یا خودتان هر طور صلاح می‌دانید یک جوابی بدهید. امام فرموده‌اند «ما فرصت اینکه از خودمان دفاع کنیم را نداریم اگر فرصتی باشد باید از اسلام دفاع کنیم» وقتی انسان به خدا وصل می‌شود و از بندگان خاص او می‌گردد چه روحیه‌ای پیدا

می‌کند و بواسطه این روحیه‌ی چه عظمتی و معنویتی پیدا می‌نماید. وقتی انسان وابسته به خدا شود آرام می‌شود. ولی انسان از ایمان و معنویت و اخلاق تهی باشد سر و صدا و طرفداری از خود و خودنمائی و تکبر زیاد می‌کند ولی وقتی پر شد، ساکت می‌شود. در روایات آمده است که در روز قیامت متکبرین به صورت مورچه وارد محشر می‌شوند. چرا مورچه؟ برای اینکه این انسان متکبر کوچک است، باطنش خیلی ریز است اگر باطن درست و درستی داشت تکبر نمی‌کرد.

◆ عبادت عاشقانه (و الدّین یبیتون لربهم سجداً و قیاماً) ۲۳

سومین صفتی که برای بندگان خالص مطرح گردیده پرستش و عبادت عاشقانه و خالصانه است.

خداوند در سوره فرقان فرموده: «مؤمنین کسانی هستند که برای خدا بیتوته می‌کنند. شب زنده‌داری می‌کنند و برای پروردگارشان در حال سجود و قیام هستند. بیتوته یعنی شب را درک کردن چه خواب باشد چه بیدار. (باته) یعنی شب را درک کردن غیر از (نامه) است یعنی خوابیدن و لذا یکی از اعمال حج بیتوته حاجی در شبهای یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه در منی است حال مشغول عبادت باشد یا حتی خواب باشد، به هر حال مشغول بیتوته است. ولی

خداوند می‌فرماید: «عباد الرّحمن» شب را برای خدای خود در سجود و قیام هستند و این آیه اشاره به نماز شب دارد. نماز شب یکی از نمازهای مستحبی است که بسیار با عظمت است و بر رسول الله (ص) واجب بوده است. آیات و حیاتی هم دلالت بر وجوب نماز شب بر پیغمبر اکرم (ص) دارد «یا ایها المرءل قم اللیل الا قلیلاً» ۲۴ خداوند به رسول الله (ص) می‌فرماید برای عبادت خدا شب به پاخیز. «بصغفه اوانقص منه قلیلاً اوزد غلیه و رزل القرآن ترتیلاً» نصف از شب یا کمی کمتر یا بیشتر از آن را بیدار باش و قرآن بخوان ۲۵

◆ یک الگوی شب زنده‌داری

روش نماز شب رسول الله (ص) اینگونه بوده است که حضرت بعد از نماز مغرب و عشاء و بعد از خوردن غذا می‌خوابیدند (شاید موقع خواب رسول الله (ص) یکی دو ساعت بعد از غروب آفتاب بوده) سپس حضرت از خواب بیدار می‌شدند، مسواک می‌زدند، وضو می‌گرفتند و ۴ رکعت نماز شب (۲ نماز دو رکعتی) می‌خواندند دو مرتبه می‌خوابیدند و پس از مدتی از خواب بیدار می‌شدند و مسواک می‌زدند و وضو می‌گرفتند و ۲ نماز دو رکعتی دیگر (۴ رکعت) می‌خواند و سپس می‌خوابیدند و ساعتی مانده به وقت نماز صبح از خواب بیدار می‌شوند و ۲ رکعت نماز شفع و ۱ رکعت هم نماز وتر (مجموعاً ۱۱ رکعت) می‌خواندند و نافله ی صبح و نماز

صبح را می‌خواندند و مشغول تلاوت قرآن و ذکر می‌شدند. ۲۶

در روایت آمده است که حضرت رسول اکرم (ص) ۳ مرتبه در طول شب برای این بازده رکعت نماز بیدار می‌شدند و اندازه‌ای که خوابیده بودند نماز می‌خواندند و باز می‌خوابیدند به همان اندازه‌ای که نماز خوانده بودند کیفیت نماز شب رسول الله (ص) اینگونه بوده که وقتی حضرت به رکوع می‌رفت رکوعشان آنقدر طول می‌کشید که گویا اصلاً از رکوع نمی‌خواهند بلند شوند و وقتی که به سجده می‌رفتند اینقدر سجده طولانی می‌شد گویا که اصلاً نمی‌خواهند از سجده بلند شوند در قنوت نمازها حضرت به تلاوت قرآن می‌پرداخته است. ۲۷

◆ نظر علامه مجلسی پیرامون تهجد

و شب زنده‌داری رسول الله (ص) علامه مجلسی اشاره به آیه (و من اللیل فتهجد به) ۲۸ می‌فرماید: تهجد یعنی خواب و بیداری به گونه‌ای که در طول هم قرار داشته باشند و آن معنائی که اهل لغت از تهجد گفته‌اند که لفظی است که در ضدین استعمال می‌شود یعنی هم در خواب تهجد است و هم در بیداری صحیح نمی‌باشد، علامه می‌گوید: تهجد یعنی خواب و بیداری (خوابی که بعدش بیداری باشد و بیداری که بعدش خواب باشد) و خطاب قرآنی فتهجد یعنی ای رسول الله (ص) خواب دائم نداشته باش.

بیداری دائم هم نداشته باش و سیره‌ی رسول الله نشانگر عمل رسول الله (ص) به این فرمان الهی است. ۲۹

◆ نماز شب و آثار و برکات آن

قرآن کریم می‌فرماید «و من اللیل فتهجد به نافله لک عسی ان یتنک ربک مقاماً محموداً» ۳۰ واژه نافله در این آیه به معنای زیادی است (نفل) به معنای زیادی و زائد است و نافله یعنی زائد بر واجب مانند نافله نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء. با توجه به (نافله لک) احتمال دارد که نماز شب بر رسول الله (ص) هم مستحب باشد و خطاب قرآن این است که رسول الله (ص) این عبادت زیادی را باید انجام بدهی و این زیادی هم برای توست و به نفع توست (خداوند نغموده (نافله علیک) بلکه فرموده (نافله لک) این نماز شب به نفع توست برای اینکه خدا می‌خواهد تو را به یک مقام محمود (مقام شفاعت) برساند همان مقامی که قرآن می‌فرماید (ولسوف یعطیک ربک فترضی) ۳۱ انسان به یک کمالات و مقاماتی برسد که خداوند بگوید هر چه بخواهی به تو می‌دهم. آنقدر به تو می‌دهم که خوشحال بشوی و راضی بشوی. آنقدر از امت تو را می‌بخشم، آنقدر به حرفت گوش می‌دهم که راضی بشوی این مقام کمی نیست. اگر انسان این واقعیت را درک کند که اگر بخواهد به مقام محمود برسد به یک مقام بالا و یک مقام

۳۳. سورهی سجده، آیهی ۱۶

۳۴. سورهی سجده، آیهی ۱۷

۳۵. سورهی ذاریات، آیهی ۱۷

۳۶. سورهی ذاریات، آیهی ۱۸

۳۷. بحارالانوار، جلد ۸۴ - روایات باب نماز

شب

۳۸. همان

قرآن کریم (ماه مبارک رمضان)

